

بررسی و تطبیق وظایف نهادهای ناظر بر خدمات مالی موسسات اعتباری با ارائه نمونه‌هایی از تراجم اجرایی نسبت به خدمات مالی

حسام الدین حقگو راسته کناری^۱

تهمینه عدالت‌جو^{*۲}

فخرالدین ابوبئه^۳

علی پورقصاب امیری^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

چکیده

خدمات مالی، یکی از ابزارهای رایج بانکی در روابط قراردادی اشخاص و در عرصه تجارت داخلی و بین‌المللی تلقی می‌گردد که شناخت واضعان قوانین و مقررات مرتبط با خدمات مالی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به تغییرات صورت گرفته در رابطه با تاسیس و تشکیل موسسات اعتباری، نظارت‌ها نیز نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری گسترده شده و هر یک با استفاده از قوانین و مقررات تصویبی، دارای اختیاراتی از قبیل امکان استعلام و یا توقیف و برداشت از حساب مشتریان می‌باشند که در دو بخش نظارت مراجع قانونی و قضایی به هر سازمان ناظر اشاره گردیده است. در تحقیق حاضر به تبیین صلاحیت قانونی هر یک از سازمان‌ها نسبت به خدمات مالی اشاره شده تا بتوان رویه جاری شبکه بانکی را اصلاح نمود. مقررات‌گذاری و نظارت نسبت به موسسات اعتباری، امری مهم و دارای تبعات بسیاری می‌باشد و حتی در کشورهایی از قبیل آمریکا و انگلیس نیز با روش‌هایی متفاوت اما با لحاظ اهمیت نظارت، در حال انجام می‌باشد. بنابراین، تورم مقررات و پیامدهای نامطلوب آن بر بخش‌های مختلف جامعه، ابهام در تفسیر مقررات موجود و اجرای سلیقه‌ای و متفاوت آن، از جمله مشکلات اساسی نظام مقررات‌گذاری و اجرای آن نسبت به خدمات مالی محسوب شده که به جهت جلوگیری از اثرات آن، وضع قانون و تجمیع تمامی سازمان‌های ناظر و دارای اختیار و با حدود صلاحیت هر یک و ابلاغ به شبکه بانکی می‌باشد. بنابراین، بر پایه تحلیل عقلانی و بر اساس روش کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی، به صلاحیت سازمان‌ها جهت اعمال نظارت و مقررات‌گذاری نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری پرداخته و در ادامه به

^۱ دانشجوی حقوق، گروه حقوق عمومی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران، پست الکترونیکی: haghgoo_hesam@yahoo.com

^{۲*} استادیار گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: dr.edalatju@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران، پست الکترونیکی: f.alboyeh@yahoo.com

^۴ استادیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران، پست الکترونیکی: aliamiriuniversitypro@gmail.com

نمونه‌هایی از مشکلات اجرایی مقررات‌گذاری و نظارت‌های متزاحم از قبیل تفاوت در مطالبه نرخ‌های سود تسهیلات توسط بانک‌ها و ادارات اجرای اسناد رسمی اشاره شده است.

واژگان کلیدی: خدمات مالی؛ نظارت؛ موسسات اعتباری؛ مقررات‌گذاری

طبقه‌بندی JEL: E42؛ E52؛ E58؛ G21

۱. مقدمه

اقتصاد هر کشور، بر دو بخش بازار پول و بازار سرمایه استوار می‌باشد که در رأس بازار پول، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد ناظر حضور دارد و نسبت به فعالیت‌ها و خدمات مالی موسسات اعتباری اعم از موسسات اعتباری‌های دولتی، غیردولتی و یا موسسات اعتباری غیرموسسات اعتباری، که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تاسیس شده و تحت نظارت بانک مرکزی می‌باشند، نظارت دارد. علاوه بر بانک مرکزی، نهادهای دیگری از قبیل مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، سازمان امور مالیاتی، دیوان عدالت اداری و غیره نیز نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری (محمدخانی، ۱۳۹۴) نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم دارند. اهمیت تحقیق حاضر، ناشی از عدم تعیین قلمرو صلاحیت و حدود اعتبار مقررات‌گذاری و نظارت سازمان‌ها و نهادهای قانونی و عدم توجه به مولفه‌های حکمرانی مطلوب می‌باشد فلذا حدود اعتبار و صلاحیت نهادهای مقررات‌گذاری نسبت به خدمات مالی موسسات فوق‌الذکر و نظارت بر اینگونه روابط بالاخص نظارت بر عملکرد موسسات اعتباری و ضمانت اجرای آنها از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد.

۲. بیان مسئله

مقررات‌گذاری مالی به جهت نظارت دقیق‌تر نسبت به خدمات مالی و محاسبات سود و غیره توسط موسسات اعتباری، امری مهم و دارای تبعات بسیاری حتی برای مشتریان اخذ‌کننده خدمات مالی محسوب می‌شود که باید با بهترین روش‌های کارشناسی و تخصصی صورت پذیرد. پس از گذشت چندین دهه تجربه مقررات‌گذاری برای موسسات اعتباری در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، تورم مقررات و پیامدهای نامطلوب آن بر بخش‌های مختلف جامعه، ابهام در تفسیر مقررات موجود و اجراهای سلیقه‌ای و متفاوت آن، از جمله مشکلات اساسی نظام

مقررات‌گذاری نظلرتی برای موسسات اعتباری محسوب شده لذا اینکه چگونه و بر طبق چه موازین، صلاحیت و محدوده‌ای، مقام مقررات‌گذار، اقدام به مقررات‌گذاری و تنظیم امور عمومی مرتبط با خدمات مالی می‌نماید، کماکان یک چالش بزرگ در درون نظام حقوقی مقررات‌گذاری محسوب می‌شود لذا به منظور حل این معضل و با شناخت و آسیب‌شناسی نهادهای رگولاتور و رفع آن و همچنین کمک به مولفه‌های حکمرانی مطلوب، صلاحیت و محدوده مقررات‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های پولی نسبت به موسسات اعتباری توسط نهادهای موجود از قبیل موسسات و مراجع قانونی، قضایی، تبیین و ضمانت اجرای تخلف از هر یک، مورد پژوهش قرار خواهد گرفت. همچنین هرچند تفاوت‌هایی از نظر نهاد ناظر، تصویب اساسنامه در اساسنامه در شورای پول و اعتبار و رعایت استانداردها میان موسسات اعتباری و موسسه اعتباری (در معنای خاص) وجود دارد با این حال موسسات اعتباری بخشی از موسسه اعتباری (در معنای عام) محسوب می‌شود اما در ایران موسسه اعتباری غیرموسسات اعتباری یا همان موسسه اعتباری در معنای خاص نیز به رسمیت شناخته شده است و به نظر در چهارچوب بازار پول در کنار کنش‌گران موسسات اعتباری دولتی و خصوصی به فعالیت می‌پردازد. همچنین باید توجه نمود که موسسه اعتباری غیربانکی به صورت یک نهاد اقتصادی غیردولتی^۱ بوده و این بدان معنا نیست که موسسه اعتباری باید حتماً دولتی باشد اتفاقاً در اینجا منظور غیردولتی بودن این نهاد است (جعفری، ۱۴۰۰)

از مهم‌ترین اهداف کاربردی حاضر، اینست که با شناخت جایگاه و مقررات نهادهای مالی مقررات‌گذار و حدود اعتبار هر یک و لازم‌الاجراء بودن آنها، می‌توان نسبت به فعالیت مالی و پولی موسسات اعتباری نظارت نمود زیرا به دلیل ارتباط مستقیم آن با زندگی مردم و آمره بودن مقررات در زمینه امور مالی^۱ اهمیت آن را دو چندان نموده است و همچنین با قاطعیت کامل، در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با حقوق موسسات اعتباری و خدمات مالی که موسسات اعتباری ارائه می‌دهند، شاهد آرای قضایی صحیح بود و حتی انتظار کاهش حجم ورودی پرونده‌های قضایی (خواه به جهت ابطال بخشنامه‌های بانک مرکزی و یا از بابت ابطال اقدامات موسسات اعتباری بدلیل مغایر بودن با مقررات) را داشت. (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۵)

^۱ بانک غیردولتی بانکی که به موجب قانون و با عنایت موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور و ماده (۸۶) قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، با مالکیت و مدیریت اشخاص غیردولتی، با مجوز بانک مرکزی و بر اساس مقررات مربوطه تاسیس می‌گردد و می‌تواند در چارچوب قوانین و مقررات مربوطه به کلیه عملیات مجاز بانکی مبادرت نماید.

هدف کلی و نهایی پژوهش حاضر اینست که ضمن شناخت نهادهای مقررات گذار در زمینه خدمات مالی موسسات اعتباری، به بررسی جایگاه و صلاحیت‌های هر یک از نهادهای مقررات گذار و ناظر بر این نوع خدمات و همچنین به حدود اعتبار اقدامات مقررات‌گذاری هر یک به تفکیک و به جایگاه ویژه بانک مرکزی و حدود سیاست‌گذاری و مقررات‌گذاری آن و ضمانت اجرای این نظارت‌ها پرداخته شود تا بتوان عملکرد مولفه‌های حکمرانی مطلوب را بررسی و پیشنهادات کاربردی در جهت رفع ایرادات آن ارائه نمود.

۲-۱. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

از نوآوری‌های تحقیق حاضر اینست که با استفاده از قوانین و مقررات موضوعه و شناخت صلاحیت و محدوده نظارت نهادهای مقررات‌گذار و همچنین نهادهای ناظر بر خدمات مالی موسسات اعتباری، میتوان به حدود صلاحیت دستورات و مقررات ابلاغی از ناحیه نهادهای مذکور، از قبیل سازمان امور مالیاتی، محاکم دادگستری و غیره، به صورت مستند و مستدل و به تفکیک هر مورد آشنا شد.

۲-۲. سوالات تحقیق

- ۱- جایگاه و صلاحیت نهادهای مالی نسبت به خدماتی که موسسات اعتباری به مشتریان ارائه می‌دهند، چیست؟
- ۲- محدوده نظارت نهادها و سازمان‌ها نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری چیست و چه ضمانت اجراهایی دارند؟

۳. روش تحقیق

در پژوهش حاضر ضمن مراجعه به کتابخانه‌های معتبر و واحدهای پژوهشی موسسات اعتباری، پژوهشکده پولی و موسسات اعتباری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وب سایت‌های معتبر و همچنین بررسی منابع و کتب موجود و قوانین و مقررات موضوعه و بخشنامه‌های بانک مرکزی و سایر نهادها و با فیش برداری از منابع اطلاعاتی موجود و نظر به نظری و کاربردی بودن تحقیق حاضر، بر پایه استدلال و تحلیل عقلانی و بر اساس مطالعات و روش کتابخانه‌ای و با فیش

برداری از منابع جمع آوری و در نهایت با روش توصیفی تحلیلی، به نتیجه کاربردی و مطلوب برای شبکه موسسات اعتباری خواهیم پرداخت.

۴. مطالعات تجربی

۴-۱. تعریف نهاد مالی ناظر بر خدمات موسسات اعتباری

نهادهای مالی، بنگاه‌هایی هستند که خدمات آن‌ها مربوط به دارایی‌های مالی است. این نهادها با عنوان واسطه‌های مالی شناخته می‌شوند. نهادهای مالی باعث می‌شوند سرمایه با سرعت بیشتر و هزینه کمتر در جریان قرار بگیرد. در واقع وظیفه اصلی نهادهای مالی انجام امور مالی و سرمایه گذاری است. نهادهای مالی یکی از ارکان مهمی هستند که در بازارهای مالی نقش ایفا می‌کنند و در اکوسیستم اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارند. مهمترین وظیفه نهادهای مالی که باعث می‌شود اهمیت آن‌ها در اقتصاد و گردش مالی درک کنیم این است نهادهای مالی کمک می‌کنند منابع مالی بین افرادی که مازاد منابع دارند و افرادی که کمبود منابع مالی دارند ارتباط برقرار شود.

نهادهای مالی کمک می‌کنند این دست ارتباطات به سرعت و راحتی انجام شود. علاوه بر این نظارتی که نهادهای مالی بر این امور دارند باعث میشوند ریسک این معاملات تا حد زیادی کاهش پیدا کند.

در مهمترین دسته بندی نهادهای مالی می‌توان آن‌ها را به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

الف- نهادهای سپرده پذیر (فعال در بازار پول)

ب- نهادهای غیرسپرده پذیر (فعال در بازار سرمایه و بیمه)

نهادهای مالی سپرده پذیر: این نهادها همان واسطه‌هایی هستند که برای مثال از طریق دریافت کارمزد بابت ارائه خدمات مالی یا حاشیه سودی که از تفاوت نرخ اعطای وام و پذیرش سپرده به دست می‌آید به مسیر خود ادامه می‌دهند. موسسات اعتباری و موسسات مالی نمونه‌های خوبی از نهادهای سپرده پذیر محسوب می‌شوند.

نهادهای مالی غیرسپرده پذیر: نهادهای مالی دیگری که در عرصه اقتصاد فعالیت می‌کنند نهادهای مالی غیرسپرده پذیر هستند. این نهادها خدمات تخصصی ارائه می‌کنند و از این راه درآمد کسب می‌کنند. شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه گذاری مشترک، شرکت‌های تامین سرمایه نیز نمونه‌های خوبی از نهادهای مالی غیر سپرده پذیر محسوب می‌شوند.

برخی از نهادهای مالی فعال در بازار پول نیز شامل بانک‌ها- موسسات اعتباری- شرکت‌های تجاری- موسسات دولتی- صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌باشند. لازم به ذکر است عبارت موسسات اعتباری در مفهوم عام، شامل بانک‌ها و موسسات اعتباری بانکی می‌شود که در تحقیق حاضر از عبارت عام موسسات اعتباری برای هر دو عبارت بهره‌جسته‌ایم.

۴-۲. جایگاه و صلاحیت نظارتی مراجع قانونی نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری
با عنایت به به اهمیت نوع فعالیت موسسات اعتباری در جامعه و تاثیر مستقیم آن بر نظم عمومی نحوه تعامل موسسات اعتباری با نهادها و چگونگی پاسخگویی ایشان به بموجب مصوبه ی ۱۳۸۴-۸۱/م/ت/۲۷۷۴۱/ه مورخ ۲۶/۱/۱۳۸۲ هیئت وزیران که بیان می‌دارد، عدم امکان افشای اطلاعات مربوط به حساب‌های خصوصی اشخاص در موسسات اعتباری مستند به اصل ۲۲ قانون اساسی (حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند) و به دلیل وکیل و امین بودن موسسات اعتباری مگر:

الف) به حکم قانون

ب) بر اساس استعلام یا حکم قضایی دادگاه یا مرجع صالح ذیربط و قابل تقسیم به دو گروه ذیل:

۱- نحوه پاسخ‌گویی به مراجع قانونی از قبیل سازمان امور مالیاتی

۲- نحوه پاسخ‌گویی به مراجع قضایی از قبیل دادگاه‌های عمومی

۴-۲-۱. نظارت مالی مراجع قانونی

با عنایت به اینکه هرگونه نظارت و مقررات‌گذاری در شبکه بانکی برای موسسات اعتباری، نیازمند تصویب قانون و تفویض اختیارات و صلاحیت‌ها به نهادها و سازمان‌ها می‌باشد فلذا در این بخش، مراجع قانونی که به استناد قانون اساسی و یا قوانین عادی، مکلف به اعمال نظارت و وضع مقررات نسبت به فعالیت و خدمات مالی موسسات اعتباری می‌باشند را برشمرد و به مستند قانونی چنین صلاحیتی پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است این موضوع در بسیاری از کشورها از قبیل آمریکا^۱ و انگلیس نیز طبق همین قاعده ولی با مکانیسمی متفاوت در حال انجام می‌باشد.

^۱ فدرال رزرو به انگلیسی Federal Reserve: یا فد به معنی ذخیره فدرال، بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۱۳ با هدف نظارت بر عملیات بانکی در این کشور تأسیس شد. این بانک با تصویب لایحه فدرال رزرو در سال ۱۹۱۳ در پاسخ به رشته بحران‌های مالی‌ای تشکیل شد که نیاز

۴-۲-۱-۱. جایگاه قانونی مجلس شورای اسلامی

قانون مجموعه قواعد و مقرراتی است که از طرف مقامات صالحه وضع و اعلام می شود و موضوع آن حقوق و تکالیف افراد بشر است. مدلول قانون، التزام یا اذن یا اباحه بوده و غایت آن ایجاد نظم و ترتیب در اعمال و اقوال و روابط افراد و اجتماعات و جلوگیری از خودکامگی و زورگویی و نیرنگ و نفاق و جنگ و قتال است. همه باید از قانون اطاعت کنند و متخلف از قانون دچار عواقب آن خواهد شد. اعتبار قانون به ضمانت اجرای آن است و بی گمان بهترین ضمانت اجرا ایمان به عدالت قانون است. قانون تعیین می کند که چه کاری باید انجام یا ترک شود و مرتکب فعلی که ترک آن لازم است مستوجب چه نوع مجازاتی است، مجازاتی که به حکم عقل و عدل مقرر و اجرا شود (صالح، ۱۳۹۱) قانون در معنای گسترده‌ی خود، مفهومی معادل قاعده‌ی حقوقی است و باید اوصاف آن را دارا باشد، ولی در معنای دقیق و خاص، باید مفهوم صوری و ماهوی آن را از هم باز شناخت.

الف) معنای صوری

قانون بدین معنا، اعتبار خود را از صورت و تشریفات وضع آن می گیرد و در تعریف آن می توان گفت: «حکمی است که از طرف مقام صالح دولت برای قانونگذاری و برطبق تشریفات مقرر در قانون اساسی وضع شده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵)

ب) معنای ماهوی

قانون به معنای ماهوی، صورتی از قاعده حقوقی است که به وسیله مقام صالح دولتی و به منظور اجرای قوه‌ی قانونگذاری یا اجرایی نوشته می شود. در این معنا چون قانون صورتی مکتوب از قاعده‌ی حقوقی است، باید عام و مجرد از خصوصیت‌های فردی اما دائمی و الزام آور باشد. (راسخ، ۱۳۸۴) در منابع و مستندات حقوقی، هرگاه سخن از قانون می شود، مقصود معنای ماهوی آن است، چرا که کلیه‌ی مقررات الزام آور کلی، دارای ضمانت اجرا و الزام آور را شامل می شود و مقررات فردی و خاص را از شمول، خارج می سازد.

به کنترل مرکزی سیستم پولی را نشان داد. این نهاد متشکل از ۱۲ بانک مرکزی به عنوان حامیان فدرال رزرو و از نظر قانون ایالات متحده آمریکا، خصوصی و مستقل محسوب می شود اما بخشی از تصمیمات دولتی بر فعالیت آن‌ها دخالت دارد. فدرال رزرو مسئول تدوین سیاست‌های پولی، پیگیری رسیدن به اشتغال کامل، تثبیت قیمت‌ها و رشد اقتصادی در آمریکا است.

مجلس شورای اسلامی در مهم‌ترین وظیفه خود یعنی قانونگذاری به مقتضای اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت عام دارد و می‌تواند در عموم مسائل، قانون وضع کند. با وجود این، مجلس در انجام این نقش، محدودیت‌هایی دارد که در اصول مختلف قانون اساسی مقرر شده است. از جمله در اصل ۷۲ آمده است: مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی، مغایرت داشته باشد (حسینی، ۱۳۹۱) کلیه مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود، تا از لحاظ انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد و تا زمانی که شورای نگهبان مصوبه مجلس را تایید نکند، آن مصوبه جنبه قانونی پیدا نمی‌کند. حاکمیت در هر نظام حقوقی به بخش‌های مجزا با کارکردهای مستقل تقسیم می‌شود. وظیفه قانونگذاری به صورت عام به قوه مقننه که اعضای آن منتخب مردم هستند واگذار می‌شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران صلاحیت عامی که قانون اساسی مطابق اصل ۷۱ به مجلس شورای اسلامی اعطا شده، به وسیله نهادهای خاص قانونگذاری تخصیص خورده و وجود این نهادها برای سازماندهی امور جامعه امری لازم و مفید است. در تحقیق حاضر که به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده، کوشش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که جایگاه مصوبات شوراهای پول و اعتبار و فقهی بانک مرکزی در نظام حقوقی ایران و حاکمیت قانون چگونه است. بررسی مصوبات آنها نشان می‌دهد این شورا اقدام به وضع قواعد خارج از صلاحیت و مداخله در امور قوای دیگر نموده است. در این مقاله پیشنهاد شده است شوراهای مذکور با همکاری قوا و سازمان‌های دیگر امر سیاست‌گذاری را جایگزین وضع مصوبات لازم‌الاجرا نمایند (مرادخانی و همکاران، ۱۴۰۰)

تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف روشن و مشخص از «قانون»، «آیین‌نامه»، «تصوینامه» و «بخشنامه»، «قانون آزمایشی» و «اساسنامه» (برنامه و خط‌مشی دولت) «آراء وحدت رویه» و سایر مقررات و همچنین طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی یکی از اصلیت‌ترین مأموریت‌های مجلس شورای اسلامی است که در سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری به مجلس شورای اسلامی محول شده است

بند ۵ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری «تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف روشن و مشخص از «قانون»، «آیین‌نامه، تصوینامه و بخشنامه

موضوع اصل ۱۳۸)، «قانون آزمایشی و اساسنامه موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی، برنامه و خط مشی دولت و تصمیمات موضوع اصل ۱۳۴، آراء وحدت رویه و ضوابط موضوع اصل ۱۶۱ و سایر مقررات و همچنین طبقه‌بندی و تعیین هرم سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق مجلس شورای اسلامی، تأکید دارد.

از دیگر تکالیف مهم در سیاست‌های نظام قانونگذاری «تعیین حدود اختیارات مجلس در اصلاح لوایح با رعایت اهداف لایحه» است که باید در این قانون تعیین و تصریح شود تا مانع بروز اختلاف نظر میان مجلس و دولت گردد.

تعیین محدوده اختیار مجلس در تصویب ساختار و مفاد بودجه سالانه کل کشور پیشینی درآمد‌ها، هدفگذاریها، موارد هزینه و غیره با تصویب قانون لازم و اصلاح آیین نامه داخلی مجلس، از دیگر بندهای سیاست‌های کلی است که هم در تدوین این قانون و هم در بازنگری آیین نامه داخلی مجلس باید مورد توجه قرار گیرد. تعیین وظایف دولت و مجلس در مورد تعداد وزرا و وظایف و اختیارات آنان، وظایف قانونی رییس جمهور موضوع اصل ۶۰ و ۱۲۴ قانون اساسی و هرگونه ادغام، الحاق، انتزاع و ایجاد سازمان‌های اداری، از طریق تصویب قانون. یکی دیگر از بندهای مهم این سیاست‌ها و یکی از مواضع مهم اختلاف و چالش میان دولت و مجلس است که ضرورت دارد در این قانون معین گردد. بند ۵ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری به تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات با ارائه تعریف شفاف و منجز از «قانون»، «آیین نامه، تصویبنامه و بخشنامه موضوع اصل ۱۳۸»، «قانون آزمایشی و اساسنامه موضوع اصل ۸۵ قانون اساسی، برنامه و خط مشی دولت و تصمیمات موضوع اصل ۱۳۴، آراء وحدت رویه شوراها (از جمله شورای عالی ثبت) و دیوان‌های موجود اعم از دیوان عالی کشور و یا دیوان عدالت اداری (و ضوابط موضوع اصل ۱۶۱ قانون اساسی و همچنین طبقه‌بندی و تعیین شاخه سیاست‌ها، قوانین و مقررات کشور بر اساس نص یا تفسیر اصول قانون اساسی حسب مورد، از طریق قوه مقننه، تأکید و اهتمام ورزیده است

اصل عدم تفویض قانون گذاری یکی از اصول سنتی حقوق اساسی است که کم و بیش در حقوق اساسی کشورهای مختلف مورد توجه واقع شده است. برخی مبنای این اصل را قاعده عدم جواز توکیل وکیل، برخی دیگر اصل تفکیک قوا و برخی دیگر دموکراسی نماینده سالار دانسته اند. بدین ترتیب، بسیاری از نویسندگان حقوق اساسی در خصوص مبانی این اصل دچار اشتباه شده و

به همین خاطر در تبیین مفهوم، محتوا و نحوه اعمال آن موفق نشده‌اند. بررسی رویه شورای نگهبان حاکی از آن است که این وضعیت در حوزه مباحث حقوق اساسی ایران نیز جاری است و این نهاد در نظراتی که تاکنون به استناد اصل ۸۵ قانون اساسی ارائه کرده است، رویکرد نامناسبی نسبت به اصل عدم تفویض قانون‌گذاری اتخاذ کرده است.

با این حال قانونگذار اساسی در اصل ۸۵ قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی اجازه داده است که تصویب آزمایشی قانون را به کمیسیون‌های داخلی مجلس و همچنین تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، موسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت یا کمیسیون‌ها تفویض کند. در این پژوهش تلاش شده است تا با تأکید بر نظریات شورای نگهبان مسأله تفویض اختیار قانون‌گذاری در نظم اساسی ایران بررسی گردد. بنابراین مجلس شورای اسلامی در مقام تفویض تصویب آزمایشی قوانین نمی‌تواند امر قانون‌گذاری را به طور کامل تفویض کند. همچنین تصویب بعضی از قوانین جزء وظایف اصلی و غیر قابل تفویض مجلس می‌باشد. به علاوه، مجلس در صورتی می‌تواند تصویب آزمایشی بعضی از قوانین را تفویض کند که ضرورتی برای تفویض اختیار وجود داشته باشد. شورای نگهبان نیز تفویض تصویب آزمایشی قانون در خصوص مسائل مقطعی را مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی می‌داند. لذا تفویض تصویب آزمایشی قانون به کمیسیون‌ها فقط در خصوص مسائل دائمی و مستمر جایز می‌داند. به علاوه، کمیسیون‌ها ملزم هستند فقط در موضوع تفویض شده قانون‌گذاری کنند و نمی‌توانند به وضع قانون در مسائل غیر مرتبط پردازند. کمیسیون‌ها بعد از تأیید شورای نگهبان نمی‌توانند دست به اصلاح قانون آزمایشی بزنند الا اینکه اصلاحات لفظی باشد. مجلس می‌تواند قوانین آزمایشی را تمدید کند و یا به تصویب دائم آنها پردازد. در صورتی که تصویب دائمی اساسنامه‌ها به دولت واگذار شود دولت می‌تواند بدون اینکه نیاز به اجازه مجدد از مجلس باشد اساسنامه‌های مصوب خود را اصلاح کند (فولادوند، ۱۳۹۳).

علاوه بر وظیفه قانونگذاری (به عنوان یکی از کارکردهای قوه مقننه^۱) مجلس شورای اسلامی صلاحیت نظارتی بر قوه مجریه را نیز بر عهده دارد. این اقتدار مجلس بر قوه مجریه نشان دهنده

^۱ در اندیشه امام خمینی (ره) کارکردهای مجلس شورای اسلامی چنین مطرح شده که مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از ارکان نظام سیاسی مورد توجه سیاست‌مداران و پژوهشگران حوزه‌ی سیاست است و کارکردهای متنوعی برای آن ارائه شده است. به نظر می‌رسد بررسی این کارکردها از منظر امام خمینی (ره) در راستای بدست آوردن معیاری برای سنجش عملکرد مجلس ضروری می‌نماید. امام خمینی ذیل محوره‌های قانون‌گذاری، نظارت و اصلاح ساختار، کارکردهای متنوعی برای مجلس شورای اسلامی قائل شده‌اند. این کارکردها در حوزه نظارت بخش‌های مختلفی از جمله: نظارت بر دولت، نظارت

تمایل قانون اساسی به نظام پارلمانی است. از جمله صلاحیت‌های نظارتی مجلس نظارت را می‌توان از طریق نظارتی که رئیس مجلس نسبت به بررسی مصوبات و آیین نامه‌های دولت و انطباق آنها با قانون دارد می‌توان بیان نمود. اصل ۸۵ قانون اساسی بیان می‌دارد، علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. بنا براین، با استناد به اصول ۸۵ قانون اساسی و اختیارات قوه مقننه، در نهایت مجلس شورای اسلامی اختیار مقررات‌گذاری نسبت به امور تخصصی و اجرای قوانین و مقررات مرتبط با خدمات مالی و پولی را مستفاد از ماده ۱۸ قانون پولی و موسسات اعتباری کشور و همچنین مواد ۱۵ و ۱۶ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) نهادهایی از قبیل شورای پول و اعتبار و شورای فقهی بانک مرکزی تفویض نموده است.

۴-۲-۱-۲. بانک مرکزی

مهمترین تکالیف بانک مرکزی از بابت سیاست‌گذاری و اعمال نظارت نسبت به شبکه موسسات اعتباری به شرح ذیل می‌باشد:

- تکلیف موسسات اعتباریها به ارائه‌ی آمار و اطلاعات کلی مربوط به انواع حساب‌های موجود در موسسات اعتباری با در نظر داشتن لزوم حفظ اسرار حرفه‌ای مستند به بند ۱۰ ماده ۱۴ و همچنین ماده ۳۷ قانون پولی موسسات اعتباری کشور
- اعلام سر جمع انواع حساب‌های موسسات اعتباری، آمار کلی تسهیلات اعطائی در بخش‌های مختلف اقتصادی مطالبات معوق و امثال آن
- امکان بازرسی بازرسان بانک مرکزی از دفاتر اسناد و مدارک حساب‌های مشتریان در راستای انطباق عملیات انجام شده با قانون

برنمایندگان، نظارت بر رسانه‌ها و نظارت بر نیروهای مسلح را شامل می‌شود که هر یک از آنها ابزارهای خاص خود را دارد. در حوزه قانون‌گذاری ایشان ضمن تأکید بر مستقل بودن نمایندگان مجلس و عدم تأثیر پذیری از اجانب، موکداً قوانین مصوب را محدود به چهارچوب اسلام می‌نماید و برای تضمین خارج نشدن قوانین مصوب از محدوده اسلام و قانون اساسی شورای نگهبان را مقرر می‌کند.

- لزوم پاسخ به استعلامات کتبی ادارات و مدیریت‌های بانک مرکزی در خصوص ارائه‌ی اطلاعات مربوط به حساب‌ها و عملیات موسسات اعتباری در راستای اعمال نظارت بانک مرکزی و رسیدگی به به شکایات
- الزام موسسات اعتباری به پاسخگویی به استعلام‌های مدیر کل حراست بانک مرکزی و موسسات اعتباری مستند به دستور مراجع ذیصلاح قانونی
- لزوم پاسخگویی استعلام‌های ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی بر اساس مصوبات هیئت محترم دولت
- الزام موسسات اعتباری به پاسخگویی به کلیه‌ی استعلامات فیزیکی و مکانیزه‌ی وارده از سوی بانک مرکزی مستند به مواد ۱۹ و ۲۰ قانون نحوه‌ی اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۳ در راستای اجرای حکم توسط مرجع اجراکننده در خصوص توقیف حساب مشتریان ماده ۱۹ قانون مذکور بیان می‌دارد، الزام موسسات اعتباریه ارائه‌ی فهرست کلیه‌ی حساب‌های محکوم علیه به مرجع اجراکننده رای از طریق بانک مرکزی و همینطور الزام موسسات اعتباری به توقیف حساب مشتریان در ارتباط با دعوی اعسار به درخواست محکوم له یا خوانده با ضمانت اجرایی انفصال درجه از خدمات عمومی و دولتی (ماده ۲۰ همین فوق الذکر) در اجرای بخشی از وظایف قانونی بانک مرکزی ج.ا. او به منظور ان با اصول و موازین موسسات اعتباری و ... وظیفه رسیدگی به حسابها و عملیات ادارات مر کشور را بر عهده دارند.
- بدیهی است اسامی آنها و محدوده وظایف ایشان طی نامه‌های عمومی بازرسی و حسابرسی به کلیه واحدها طبق روال هر ساله اعلام می‌گردد. که این موضوع در کشور انگلستان نیز به همین منوال صورت خواهد پذیرفت اما با روشی متفاوت، برای مثال به دلیل شرایط زیرساختی منسجم، غالب نظارت‌های به صورت سیستمی صورت می‌پذیرد.^۱

^۱ بانک مرکزی انگلستان که بانک انگلستان نامیده می‌شود، یک مثال بسیار روشن از این مقوله است که چگونه نقش، عملکرد و ساختار اداره یک بانک مرکزی در طول زمان تغییر می‌کند. این بانک در سال ۱۶۹۴ تأسیس شد و در طول تاریخچه خود، همواره یک نهاد عمومی بوده که در جهت منافع ملی عمل می‌کرده است. هرچند مالکیت بانک انگلستان اغلب خصوصی بوده؛ اما فعالیت‌های آن را دولت و قانون‌گذاران تعیین می‌کرده‌اند. بانک انگلستان در سال ۱۹۴۶ ملی شد و سهام سرمایه‌ای آن به خزانه‌داری منتقل شد که به معنای آن است که مالکیت آن در حال حاضر با دولت (و نه سهامداران خصوصی) هست. این مسئله به دولت قدرت انتخاب رئیس و مدیران بانک و همچنین صدور دستورالعمل برای بانک را می‌دهد. تا به امروز، دولت از قدرت خود در تعیین جهت و صدور دستورالعمل برای بانک مرکزی استفاده نکرده است.

۴-۲-۱-۳. سازمان بازرسی کل کشور

مطابق ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه‌های بعدی آن: وظایف و اختیارات سازمان بشرح ذیل می‌باشد:

الف) بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها ... موسسات و شرکت‌های دولتی سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت بنحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است.

مطابق ماده ۸ قانون مذکور، کلیه مسئولان ذیربط در وزارتخانه و ادارات و سازمان‌ها و موسسات و حدهای مشمول قانون مکلفند اسناد و اطلاعات و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را بدون هرگونه فوت وقت در اختیار بازرسی یا بازرسان اعزامی قرار داده و همکاری لازم را مبذول دارند و مطابق ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور دسترسی به حساب‌های اشخاصی که در مظان اتهام جرائم مالی نظیر رشوه، اختلاس، کلاهبرداری تبانی و تدلیس در معاملات تحصیل مال نامشروع و اخذ پورسانت که به نحوی مرتبط با دستگاه‌های مشمول بازرسی باشد رأساً توسط بازرسان قضایی سازمان امکان‌پذیر است. مطابق ماده ۳۰ آیین نامه مذکور و تبصره آن، مسئولان ذیربط در دستگاه‌های مشمول بازرسی مکلفند به مکاتبات و استعلامات کتبی و شفاهی و مطالبه لوح فشرده و نرم افزارهای رایانه‌ای و ... و موارد مذکور که از ناحیه بازرسی یا هیات‌های بازرسی درخواست گردیده به فوریت پاسخ دهند و نمی‌توانند به عذر این که درخواست خارج از اختیارات بازرسی است یا به بهانه عدم صدور دستور مقام مافوق و یا لزوم هماهنگی با او، از همکاری با سازمان امتناع نمایند. تبصره: در مورد نظارت و بازرسی از

در سال ۱۹۹۷ دولت اعلام کرد که مسئولیت کامل اجرایی سیاست‌های پولی را به بانک انگلستان واگذار می‌کند. بنابراین بانک مجدداً به جرگه بانک‌های مرکزی مستقل دنیا پیوست، با این وجود مدیریت بدهی‌های دولت به وزارت اقتصاد منتقل شد و مقررات گذاری بانک به یک‌نهاد تازه تأسیس یعنی اداره (HM Treasury) خدمات مالی واگذار شد.

بانک انگلستان مأموریت دارد ثبات پولی و مالی را در این کشور تأمین کند. هیات عالی مدیران بانک مرکزی انگلستان، مسئولیت اداره امور این بانک به شکل یک شرکت را عهده‌دار است و دارای چهار کمیته اصلی سیاست‌گذاری شامل کمیته سیاست‌های پولی (MPC)، کمیته سیاست‌های مالی (FPC)، کمیته تنظیم مقررات احتیاطی (PRC) و کمیته امور بازارها و بانکداری است. تمامی فعالیت‌های بانک تحت نظارت هیات عالی قرار دارد و این هیات مسئول تنظیم استراتژی‌های بانک و نظارت بر آن هست و تصمیمات کلیدی در مورد هزینه‌ها و انتصابات را اخذ می‌کند که اکثر این نظارت‌ها به صورت الکترونیکی محقق می‌شود. مجلس انگلستان بر فعالیت‌های بانک مرکزی نظارت دارد که این کار را از طریق کمیته خزانه‌داری مجلس عوام انجام می‌دهد.

فعالیت‌هایی که دارای طبقه‌بندی سری است، با پیشنهاد رییس سازمان و موافقت رییس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.

حسب ماده ۲۶ آیین نامه فوق‌الاشعار اسناد و مدارک و دفاتر مورد لزوم برای انجام امر بازرسی با طبقه بندی محرمانه به توسط بازرس یا هیات بازرسی در محل مأموریت ملاحظه و مطالعه و صورت نیاز صورتمجلس و یا تصویربرداری می‌شود.

ضمناً مطابق بند (د) ماده (۱) آیین نامه مذکور نظارت و بازرسی برنامه ای، فعالیت‌های نظارتی و بازرسی مستمر بر اساس برنامه‌های مدون و منظم سالانه با تعیین قلمرو موضوعی، محیطی و زمانی و مطابق تبصره ۱ ماده ۸ آیین نامه مزبور در احکام مأموریت، قلمرو محیطی، زمانی و موضوعی بازرسی و مدت آن صریحاً تعیین می‌شود.

الزام موسسات اعتباری به ارائه‌ی اطلاعات به سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یکی از راهکارهای نظارتی، مشروط به دستور کتبی بازرس دارای پایه قضایی سازمان مذکور از طریق بازرسان آن سازمان مستند به اصل ۱۷۴ قانون اساسی و مفهوم مواد ۲ و ۱ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و ماده‌ی ۲۹ آیین‌نامه‌ی اجرائی آن در ارتباط با بند ب ماده‌ی ۱۱ قانون پولی موسسات اعتباری کشور مصوب ۵۱ و ماده‌ی واحده‌ی قانون اجازه‌ی تاسیس موسسات اعتباری غیر دولتی در خصوص اختیار نظارت بانک مرکزی در محدوده‌ی همین نظارت توسط سازمان مذکور محسوب می‌شود.

۴-۲-۱-۴. وزارت اطلاعات

موسسات اعتباری به موجب قانون تاسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲، موظفند هر گونه اطلاعاتی که مورد نیاز وزارت اطلاعات باشد مستقیم و در صورت لزوم به صورت محرمانه و بدون فوت وقت در اختیار وزارت اطلاعات قرار دهند. با عنایت به مراتب پیشنهاد می‌گردد در خصوص استعلامات به عمل آمده از وزارت خانه مذکور مراتب با هماهنگی کامل با اداره کل حراست اقدام گردد. در بین این مراجع فقط وزارت اطلاعات اجازه دارد به صورت نامحدود و گسترده اطلاعات متفاوتی را از مشتریان دریافت کند و بقیه دقیقاً در چارچوب وظایف سازمانی خودشان.

۴-۲-۱-۵. سازمان امور مالیاتی

حسب ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای بمنظور شفافیت فعالیتهای اقتصادی و استقرار نظام یکپارچه اطلاعاتی مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی شامل مواردی نظیر اطلاعات مالی و پولی و اعتباری، معاملاتی سرمایه‌ای و ملکی اشخاص حقیقی و حقوقی در سازمان امور مالیاتی کشور ایجاد می‌شود. وزارتخانه‌ها، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری موظفند اطلاعات به شرح بسته‌های ذیل را در اختیار سازمان امور مالیاتی کشور قرار دهند. الف) اطلاعات هویتی: ۱- اطلاعات هویتی و مکانی اشخاص حقیقی و حقوقی. ۲- مجوزهای فعالیت اقتصادی و همچنین مجوزهای مربوط به انجام معاملات تجاری و عقد قراردادهای. ب) اطلاعات معاملاتی اشخاص: ۱- معاملات خرید و فروش دارایی‌های کالاها و خدمات ۲ تجارت خارجی واردات و صادرات کالاها و خدمات ۳- قراردادهای مربوط به انجام معاملات و فعالیتهای تجاری. ۴- قراردادهای مربوط به انجام عملیات بیمه‌کاری و هر گونه خدمات ۵- اطلاعات مربوط به خرید و فروش ارز و سکه و طلا ۶- اطلاعات انواع بیمه‌نامه‌های صادره و خسارت‌های پرداختی. ۷- بارنامه و صورت وضعیت حمل و نقل بار

پ) اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص: ۱- جمع گردش سالانه (دوره مالی) نقل و انتقال سهام و سایر اوراق بهادار ۲- جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع حسابهای مؤسسات اعتباری ۳ جمع گردش و مانده سالانه (دوره مالی) انواع سپرده‌ها و سود آنها ۴- تسهیلات مؤسسات اعتباری اعم از ارزی و بال در قالب کلیه عقود و همچنین کلیه تعهدات اعم از گشایش اعتباری اسنادی و تنزیل اعتبار اسنادی، ضمانت‌ها و نظیر آن (ت) اطلاعات دارایی‌ها، اموال و املاک و همچنین نقل و انتقال آنها.

سایر اطلاعات و فعالیتهای اقتصادی که با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب هیأت وزیران به موارد مزبور اضافه خواهد شد.

توجه ۱: بدیهی است اطلاعات درخواستی پس از ایجاد پایگاه مذکور قابل ارائه بوده و در خصوص غیر موارد مذکور در بند (پ) شامل اطلاعات معاملاتی اشخاص - اطلاعات هویتی - در مؤسسات اعتباری نسبی و عمدتاً غیرقطعی بوده و در پاسخ ارائه شده (با فرض وجود سوابق) به این نکته که اطلاعات دقیق تر/ استعمال از مراجع ذی صلاح دیگر می‌باشد و الزامات اطلاعات مذکور بمنزله تأیید قطعیت آن نمی‌باشد ضروری است.

توجه ۲: وفق ماده ۲۳۱ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره آن: سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را می‌تواند از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز مطالبه نماید (زنگباری، ۱۳۹۹)

تکمله ۱: انواع اطلاعات (هویتی، معاملاتی، مالی، پولی، اعتباری، سرمایه‌ای، دارایی‌ها، اموال املاک و سایر اطلاعات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی اشخاص وفق دستور سازمان امور مالیاتی مستند به ماده ۱۶۹ مکرر قانون جدید مالیات مستقیم سال ۹۵)

تکمله ۲: تکلیف موسسات اعتباری به عدم و موسسات مالی اعتباری به عدم در اختیار قرار دادن (وجوه نقد، سفته، جواهرات و سایر اموال مگر با اخذ گواهی واریز مالیات بر ارث و گواهی انحصار وراثت با ضمانت اجرایی مسئولیت تضامنی نسبت به پرداخت مالیات و جرایم عام و همچنین جریمه‌ی میزان ۲ برابر مالیات خواهند بود) مستند به بند ۶ ماده ۳۴ قانون مالیات جدید امکان توقیف مالیات و جریمه‌ی متعلقه از طریق اجرائیات ادارات مالیاتی مستند به ماده ۲۱۰ و ۲۱۱ قانون مالیات مستقیم و همچنین مکلف بودن موسسات اعتباری به اجرای مفاد برگه یا جرایم اداره دارایی نسبت به پرداخت مالیات و جرائم از محل حساب‌های مشتریان مستند به ماده ۲۷ الی ۳۰ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۸ قانون مالیات مستقیم میسر خواهد بود فلذا الزام موسسات اعتباری به ارائه‌ی اطلاعات حساب‌های سازمان‌ها و شرکت‌ها و موسسات عمومی دولتی مصرف‌کننده‌ی بودجه به دیوان مذکور به دلیل رسالت این دیوان به رسیدگی به حساب‌های درآمد و هزینه ... از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و همچنین مطابق ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، کلیه موسسات اعتباری‌ها، موسسات و تعاونی‌های اعتباری، صندوق‌های قرض الحسنه و صندوق تعاون مکلفند صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به درآمد مؤدیان را که در امر تشخیص و وصول مالیات مورد استفاده می‌باشد حسب درخواست رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور به سازمان مزبور اعلام نمایند و نه توقیف و یا برداشت از حساب مشتریان. همچنین به دلیل اهمیت اخذ اطلاعات توسط سازمان امور مالیاتی، اشخاص مزبور در صورت عدم ارائه اطلاعات و اسناد، مسئول جبران زیان وارده به دولت خواهند بود.

۴-۲-۱-۶. دیوان محاسبات کشور

مطابق ماده ۲ قانون دیوان محاسبات عمومی کشور، حسابرسی یا رسیدگی کلیه حساب‌ها در آمد و هزینه‌ها و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و نیز صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوطه و ضوابط لازم الاجرا.

تبصره - منظور از دستگاه‌ها در این قانون وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها ... شرکت‌های دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و به طور کلی هر واحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب بشود می‌باشد. واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است نیز مشمول این تعریف می‌باشند. مطابق ماده ۳۹ قانون مذکور دستگاه‌ها مکلفند حساب‌های درآمد و هزینه، صورت‌های مالی، اسناد و مدارک مربوطه را به نحوی که دیوان محاسبات کشور تعیین می‌نماید به دیوان مزبور تحویل نمایند. حسابرسی و رسیدگی آنها به محاسبات کشور در ادارات دیوان یا محل خود آن دستگاهها انجام می‌گیرد. ماده ۴۲ قانون فوق‌الاشعار مقرر می‌دارد دیوان محاسبات کشور برای انجام وظایف خود می‌تواند در تمامی امور مالی کشور تحقیق و تفحص نماید و در تمامی موارد مستقیماً مکاتبه برقرار نماید و تمام مقامات کشور و قوای سه‌گانه و سازمانها و ادارات تابعه و کلیه اشخاص و سازمان‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند مکلف به پاسخگویی مستقیم می‌باشند حتی در مواردی که از قانون محاسبات عمومی مستثنی شده باشند. البته این موضوع صرفاً در حیطه اخذ اطلاعات می‌باشد و نه توقیف و یا برداشت از حساب مشتریان.

با عنایت به مراتب فوق‌الاشاره، همکاری موسسات اعتباری با دیوان محاسبات کشور، در چارچوب مقررات صدرالذکر تا حدی که به منزله ورود به اطلاعات اشخاص غیر مشمول محسوب نگردد امکان‌پذیر می‌باشد.

۴-۲-۱-۷. سایر موسسات اعتباری و موسسات اعتباری

اختیار موسسات اعتباری به پاسخگویی به استعلامات مربوطه اعلام وجود حساب، صندوق امانات، معرفی اموال و نشانی مشتریان بدهکاران مطالبات غیر جاری سایر موسسات اعتباری مشروط به عمل متقابل آن‌ها مستند به بخش‌نامه‌ی شماره نب/۶۵۳۵ مورخ ۱۰/۱۲/۱۳۷۱ اداره نظارت بر امور موسسات اعتباری بانک مرکزی و همچنین مکاتبه موسسات اعتباری ملی خطاب به کلیه موسسات اعتباری‌ها (که این مکاتبه جنبه الزام آور نخواهد داشت) می‌باشد که یکی از راهکارهای ضعیف در نظارت بین موسسات اعتباری شبکه پولی و موسسات اعتباری خواهد بود. (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۴) که در این رابطه بانک مرکزی نیز بموجب بخشنامه‌های ابلاغی که بعضاً مصوبات شورای پول و اعتبار می‌باشد نسبت به تعیین نرخ سود تسهیلات و نحوه محاسبه و

میزان وجه التزام تاخیر تادیه دیون مشتریان به شبکه موسسات اعتباری کشور اتخاذ تصمیم نموده که ضمانت اجرای عدم اجرای چنین مواردی را می‌توان رای وحدت رویه ۷۹۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر ابطال نرخ سود مازاد سود تعیین شده توسط بانک مرکزی می‌داند.

۴-۲-۱-۸. اجرائیات سازمان تامین اجتماعی

در رابطه با نظارت و استعلامات سازمان تامین اجتماعی، ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی مقرر می‌دارد «مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تاخیر و جریمه‌های نقدی... در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مامورین اجرای سازمان قابل وصول می‌باشد.» بنابراین هر گاه از واحد اجرائیات سازمان تامین اجتماعی، مکاتبه و یا توقیف نامه شخص ثالث به انضمام برگ لازم الاجرا در مورد توقیف اموال مشتریان به موسسات اعتباری ابلاغ گردد، موسسات اعتباری مکلف به اجرای مفاد دستور صادره بوده و در غیر اینصورت موسسات اعتباری مسئول تأدیه مطالبات تامین اجتماعی خواهد بود. اما استعلام و یا دستور کاهش میزان مطالبات و یا نرخ سود توسط سازمان مذکور، برای موسسات اعتباری تکلیفی به اجرای دستورات مالی سازمان بوجود نخواهد آورد که در رویه عملی شبکه موسسات اعتباری، ارائه پاسخ به آنها مبنی بر عدم اجابت خواسته ایشان، جاری می‌باشد.

۴-۲-۱-۹. مرکز اطلاعات مالی شورای عالی مبارزه با پولشویی

الزام موسسات اعتباری به ارائه اطلاعات و گزارشات مشتریان موسسات اعتباری به شورای عالی مزبور، به عنوان یکی از عملکردهای نظارتی از طریق اداره مبارزه با پولشویی مستند به ماده ۷ قانون مبارزه با پولشویی و آیین نامه‌ی آن میسر خواهد بود که با تاسی از این مهم، نمی‌توان نسبت به محاسبات و یا تعیین نرخ سود تسهیلات و اعتبارات اعطایی موسسات اعتباری به مشتریان ورود کرد.

۴-۲-۱-۱۰. وزارت امور اقتصادی و دارایی

در صورتی که حساب‌های مشتریان دولتی با معرفی اداره کل خزانه معین در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها افتتاح شده باشد. ادارات خزانه جهت کنترل صرف حساب‌های مفتوحه مذکور می‌توانند اطلاعات موسسات اعتباری آنها را اخذ نمایند.

۴-۲-۱۱. سازمان حسابرسی

با عنایت به تبصره ۲ ماده واحده قانون تشکیل سازمان حسابرسی مصوب سال ۶۲: «انجام وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه مؤسسات و شرکت‌های دولتی و موسسات اعتباری و سایر دستگاه‌های عمومی و سازمان‌های وابسته به دستگاه‌های عمومی و سازمان‌های وابسته به دستگاه‌های مذکور ... که طبق اساسنامه و مقررات داخلی مربوط به خود ملزم به حسابرسی می‌باشند وظیفه مزبور در انحصار سازمان حسابرسی است.» و همچنین مطابق بند الف از ماده ۷ اساسنامه سازمان حسابرسی مصوب سال ۶۶: «انجام وظایف بازرسی قانونی و امور حسابرسی سالانه مؤسسات و شرکت‌های دولتی و موسسات اعتباری و سایر دستگاه‌های عمومی ... در انحصار سازمان حسابرسی است.» و به موجب ماده ۲۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم «هرگاه مؤدی، مالیات قطعی شده خود را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید، اداره امور مالیاتی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می‌کند، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، تمامی بدهی‌های خود را بپردازد یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی بدهد.» و وفق ماده ۲۱۱ قانون فوق «هرگاه مؤدی پس از ابلاغ برگ اجرایی در موعد مقرر مالیات مورد مطالبه را کلاً پرداخت نکند، یا ترتیب پرداخت آن را به اداره امور مالیاتی ندهد، به اندازه بدهی مؤدی اعم از اصل و جرائم متعلق به اضافه ۱۰٪ بدهی از اموال منقول یا غیر منقول و مطالبات مؤدی توقیف خواهد شد. (بهمنی و همکاران، ۱۳۸۹) صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجرائیات اداره امور مالیاتی می‌باشد.» فلذا هرگاه اجرائیات اداره امور مالیاتی دستور بازداشت وجوه مشتریان را صادر و به موسسات اعتباری ابلاغ نماید، موسسات اعتباری مکلف است وفق مفاد دستور صادره اقدام نماید و در صورتی که حساب مشتری فاقد موجودی باشد و یا اینکه شخص معرفی شده نزد موسسات اعتباری فاقد حساب باشد مراتب را به قید فوریت به اجرائیات ذیربط کتبا اعلام نماید.

۴-۲-۱۲. استانداران و فرمانداران

حسب ماده ۱ مصوبه هشتادمین جلسه مورخ ۸/۷/۷۷ شورای عالی اداری استانداران در قلمرو مأموریت خویش به عنوان نماینده عالی دولت، مسئولیت اجرای سیاست‌های عمومی کشور در ارتباط با وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه

عمومی دولت استفاده می‌نمایند ... عهده دار خواهند بود.» فلذا طبق مفاد بخشنامه نب/۷ مورخ ۰۶/۰۱/۷۵ اداره نظارت بر موسسات اعتباری‌ها و موسسات اعتباری بانک مرکزی ج.ا.ا، ارائه آمار و اطلاعات مورد نیاز استناداری‌ها و ... در حد کلیات مربوط و تا آنجا که منافاتی با حفظ اسرار مشتریان موسسات اعتباری نداشته باشد از نظر بانک مرکزی ج.ا.ا مانعی ندارد ضمناً مفاد نامه شماره د/ ۱۷/۱۹۱۷ مورخ ۲۱/۰۳/۷۵ اداره سازمان و روش‌ها نیز آمار قابل ارائه به دفاتر استناداری‌ها و فرمانداری‌ها را مشخص نموده است.

۴-۲-۱-۱۳. کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی (موضوع اصل ۷۹ قانون اساسی)

مطابق اصل ۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. طبق ماده ۱۹۸ قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: هرگاه نماینده‌ای تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور را لازم بداند تقاضای خود را به صورت کتبی به هیات رئیسه مجلس تسلیم نموده و هیات رئیسه ظرف ۴۸ ساعت آن را به کمیسیون تخصصی ذیربط جهت رسیدگی ارجاع می‌نماید ... مطابق ماده ۲۰۱ قانون آیین نامه مذکور «مسئولان دستگاه مورد تحقیق و تفحص و کلیه دستگاه‌های اجرایی ... موظف به فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مورد نیاز هیات و در اختیار گذاردن اطلاعات و مدارک درخواستی هیات می‌باشند...»

۴-۲-۱-۱۴. کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مطابق ماده واحده اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱/۱۱ کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند با قوای سه گانه ج.ا.ا و تمام وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای وابسته به آنها و ... و موسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق الذکر مربوط می‌باشند مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید. مسئولین و مامورین مذکور مکلفند پاسخ کافی و مستند خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول کتبا به کمیسیون اصل نود اعلام دارند تخلف از این قانون جرم و متخلف به مجازات حبس و ... انفصال محکوم می‌گردد.

۴-۲-۱-۱۵. کارشناسان رسمی دادگستری

به موجب ماده ۳۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱، در هریک از رشته‌های کارشناسی که اظهار نظر کارشناس رسمی نسبت به موضوع ارجاع شده مراجع قضایی لزوماً نیازمند کسب اطلاعاتی باشد که در اختیار موسسات اعتباری است، کارشناس مذکور موظف است به موسسات اعتباری مراجعه نموده و موسسات اعتباری مکلف است با احراز هویت و ملاحظه مدارک مربوط به ارجاع پرونده به نامبرده، صرفاً اطلاعات مربوط به موضوع کارشناسی را در اختیار وی قرار دهد و از هرگونه توقیف و برداشت از حساب مشتریان بر اساس مکاتبه کارشناسان، خلاف قانون موضوعه می‌باشد.

۴-۲-۱-۱۶. سازمان تعزیرات حکومتی

بموجب تبصره ۴ قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص نظام، دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های به دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و مؤسسات عمومی و غیردولتی و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندان‌ها موظف هستند نسبت به اجرای احکام تعزیراتی اطلاع و این قانون اقدام نمایند. ضمن آنکه حسب ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات ۱۳۷۹/۳/۲۹ در مواردی که خواسته ادارات تعزیرات حکومتی، راجع به قاچاق کالا و ارز به ارائه حکومتی صرفاً در خصوص رسیدگی به شکایت مربوط به قاچاق کالا و ارز باشد، موسسات اعتباری مکلف به ارائه اطلاعات موسسات اعتباری مشتریان مورد درخواست سازمان خواهد بود. مطابق ماده ۳۵ آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی: «کلیه سازمان‌های دولتی ... و موسسات اعتباریها موظف به همکاری بوده و همانند آراء قطعی محاکم عمومی و انقلاب موجبات اجرای آراء شعب تعزیرات حکومتی را فراهم خواهند آورد.

به استناد مواد ۳۶ و ۱۰ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی با رعایت بندهای ذیل:

۱- درخواست انسداد و رفع انسداد از یک حساب در کل کشور با دستور معاون قضایی کل کشور

۲- درخواست انسداد و رفع انسداد در یک حوزه قضایی یا شماره خاص بدون نیاز به دستور معاون قضایی مزبور

در رابطه با پرونده‌های مطروحه نزد سازمان مذکور، اجرائیات سازمان تعزیرات حکومتی هر گاه اجرائیات سازمان تعزیرات حکومتی دستور توقیف موجودی مشتریان موسسات اعتباری را صادر و به موسسات اعتباری ابلاغ نماید، در صورتی که در حساب مشتریان فوق وجه موجود باشد، موسسات اعتباری مکلف است تا میزان مبلغی که در بازداشت نامه قید گردیده است، موجودی مشتریان را توقیف و طی یک فقره چک به سازمان مذکور مسترد نماید اما در مورد اشخاصی که دارای پرونده نزد سازمان تعزیرات حکومتی نیستند، حق توقیف و برداشت از حساب اشخاص برای سازمان اشعاری فراهم نمی‌باشد.

۴-۲-۱-۱۷. کلانتری‌ها و سایر مراجع انتظامی

وفق ماده ۲۱۲ آئین دادرسی مدنی، نظارت و پاسخگویی و اقدام به دستورات کلانتری‌ها و مراجع انتظامی، منوط به ارائه دستور یکی از مراجع قضایی مندرج می‌باشد یعنی می‌بایست منضم به دستور کتبی مراجع قضایی باشد و در غیر اینصورت چنین نظارت و دستوری، مورد پذیرش شبکه موسسات اعتباری موسسات اعتباری نخواهد بود.

۴-۳. نظارت مراجع قضایی

با توجه به تقسیم بندی‌های صورت گرفته، در این بخش به اهم مراجع قضایی ناضر بر خدمات مالی موسسات اعتباری که در قوانین مختلف تعیین شده، به شرح ذیل می‌باشد:

۴-۳-۱. دادگاه‌های عمومی در امور حقوقی

بموجب مفهوم ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی، تکلیف موسسات اعتباری به ارائه سند یا اطلاعات موثر در دعوا به درخواست هر یک از طرفین دعوا به دادگاه استعلام کننده پیش بینی شده است و همین با عنایت به به مواد ۸۷ الی ۹۵ قانون مزبور، تکلیف موسسات اعتباری به اجرای مفاد احکام مدنی در ارتباط با موجودی حساب‌ها و اموال محکوم علیه به جهت اعمال استعلام و نظارت نسبت به فعالیت‌های وصول مطالبات موسسات اعتباری‌ها میسر خواهد بود.

۴-۳-۲. واحدهای اجرای ثبت اسناد رسمی

بموجب ماده ۵ آیین نامه اجرائی شناسایی و توقیف اموال مدیون در اجرای مفاد اسناد رسمی ادارات اجرای ثبت به تقاضای بستانکار مکلفند به منظور شناسایی و توقیف اموال و حقوق ما لازم الاجرا از کلیه مراجعی که به هر نحوی اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند استعلام لازم را آورند.

ادارات اجرای ثبت اسناد رسمی مستند به مواد ۷۴ الی ۸۴ آیین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء، امکان توقیف و مسدود نمودن (صرف مسدودی و نه اخذ اطلاعات) براساس اجرائیه متضمن مشخصات حساب و مشخصات صاحب حساب معنونه توسط طلبکار با ضمانت اجرائی جبران خسارت توسط موسسات اعتباری مستنکف را خواهند داشت و تکلیف موسسات اعتباری به اعلام کسر مبلغ درخواست توقیفی همراه با اعلام مبلغ مسدود شده و مصون بودن الباقی مبالغ واریزی به حساب پس از توقیف به عمل آمده نیز از راهکارهای نظارتی برون سازمانی تلقی خواهند شد.

۴-۳-۳. دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (دادگاه کیفری یک، کیفری دو، دادگاه اطفال و نوجوانان)

بموجب ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری^۱، تکلیف موسسات اعتباری به تسلیم ادله و اطلاعات راجع له جرم و همچنین در دسترس قرار دادن اسناد و دفاتر مگر اسناد سری یا به کلی سری که با دستور رئیس قوه قضائیه تسلیم ان ممکن می‌باشد فلذا تکلیف موسسات اعتباری به اجرای مفاد احکام کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (دادگاه کیفری یک و دو و دادگاه اطفال و نوجوانان) با ضمانت اجرائی تعقیب انتظامی و اداری و قضایی با مجازات مقرر قانونی مستند به مواد ۴۹۵ و ۴۹۶ قانون مذکور، توسط مقنن پیش بینی شده است و هرگونه استنکاف از این دستورات و یا استعلامات، موجبات مجازات کیفری بر اساس بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

^۱ وفق ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: مقامات و مأموران وزارتخانه ها ... بانکها ... مکلفند اسباب ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است به درخواست مرجع قضایی در دسترس آنان قرار دهند. مگر در مورد اسید سری و به کلی سری که این درخواست باید با موافقت رییس قوه قضائیه باشد.

۴-۳-۴. دیوان عدالت اداری

مطابق ماده ۴۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی در دیوان عدالت اداری (مصوب ۲۵/۳/۹۲): «شعبه رسیدگی کننده می‌تواند هر گونه تحقیق یا اقدامی را که لازم بداند انجام دهد یا آن را از ضابطان قوه قضائیه و مراجع اداری بخواهد و یا به سایر مراجع قضایی نیابت دهد، ضابطان و مراجع مذکور مکلفند ظرف مهلتی که شعبه دیوان تعیین می‌کند تحقیقات و اقدامات خواسته شده را انجام دهند.

۴-۳-۵. دادسرا و دادگاه‌های نظامی

رئیس، دادستان و سایر مقامات قضایی نیروهای مسلح برابر با ماده ۵۸۱ قانون آیین دادرسی همان اختیارات و وظایف مقامات روسای کل دادگستری، دادستان عمومی و سایر مقامات قضایی را برخوردار می‌باشد.

۴-۳-۶. دادگاه ویژه روحانیت

مرجع قضایی بودن دادسرا و دادگاه مستند به ماده ۴۸ آیین نامه دادرسی دادگاه‌ها و دادسراهای ویژه روحانیت و با امکان اجابت دستور مرجع مذکور نیز از جمله مراجع قضایی جهت امکان اعمال نظارت و اخذ استعلامات نسبت به خدمات مالی شبکه موسسات اعتباری محسوب خواهد شد.

۴-۳-۷. شوراهای حل اختلاف

مطابق ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب (۱۳۹۴/۹/۱۶) در موارد ذیل، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رای نماید: الف) دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون ریال (۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون در دادگستری مطرح می‌باشند. صلاحیت شوراهای حل اختلاف روستا مستقر در روستا صرفاً صلح و سازش می‌باشد. با عنایت به مراتب اخذ هرگونه اطلاعات منوط به درخواست کتبی ممضی به امضاء قاضی شورا میسر می‌باشد.

همچنین بر اساس صلاحیت استعلام حساب از موسسات اعتباری از طریق قاضی دارای پایه قضایی مستند به مواد ۹ و ۱۱ قانون شورای حل اختلاف و امکان توقیف و برداشت بر اساس رای

صرفاً از طریق اجرای احکام دادگستری نیز به عنوان یکی دیگر از مولفه‌های مقررات گذاری و تدوین بخشنامه توسط سازمان ها و همچنین نظارت نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری محسوب خواهد شد.

۴-۴. نمونه‌هایی از وضع مقررات مالی متهافت توسط مراجع مختلف اعم از مقررات گذار مالی و یا ناظر و بعضاً یک مرجع

۴-۴-۱. اوراق اختیار معامله که به صورت کلی، اختیار معامله، قراردادی دوطرفه بین خریدار و فروشنده است. خریدار قرارداد اختیار معامله، در ازای پرداخت مبلغ مشخص شده‌ای، حق خرید یا فروش دارایی ذکر شده در قرارداد را در زمانی مشخص با قیمتی که هنگام بستن قرارداد تعیین شده است، دارد. خریدار قرارداد اختیار معامله این حق را دارد که یا قرارداد خود را اعمال کند یا کلاً منصرف شود؛ ولی فروشنده موظف است به قرارداد پایبند باشد. (فرخی و همکاران، ۱۳۹۵) حسب اظهارات دبیر کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، موضوع دوم مطروحه در آن شورا، «فراهم آوردن امکان تأمین مالی از محل فروش سهام و ترکیب آن با دو قرارداد اختیار معامله» بود. این موضوع هم در سنوات گذشته در کمیته فقهی مطرح شده و به تصویب رسیده بود، اما به دلیل اینکه ملاحظات عملیاتی و اجرایی جدیدی درباره آن مطرح شد. لذا مجدداً در دستور کار کمیته فقهی قرار گرفت و این کمیته درباره ابعاد جدید مطرح شده اعلام نظر کرد. مطابق مصوبه‌ای که در سنوات گذشته درباره اصل این ساختار اعلام شده بود، استفاده از قرارداد اختیار معامله خرید و قرارداد اختیار معامله فروش، ضمن معامله قرارداد فروش سهام جایز است ولی باید بین زمان یا قیمت اعمال دو قرارداد اختیار معامله تفاوت معناداری وجود داشته باشد. با توجه به اینکه در فرایند عملیاتی کردن این مصوبه مسائل جدیدی مطرح شده بود، کمیته فقهی در سال ۹۷ تأکید کرد که معیار واحد و یکسانی برای انواع سهام در بازار وجود ندارد و به تشخیص کارشناسان، حد مقدار اختلاف زمانی یا اختلاف قیمتی بین این دو نوع قرارداد اختیار معامله از هر سهمی نسبت به سهام دیگر متفاوت است و تشخیص اینکه این مقدار برای هر سهمی باید چقدر باشد، به تعیین کارشناسان و خبرگان بازار مالی موکول شد لذا در این باره کمیته فقهی تأکید کرد که این معیار واحد وجود ندارد و کارشناسان باید با توجه به روند قیمت هر سهم درباره فاکتور زمان و فاکتور قیمت در سررسید اعلام نظر کنند. فلذا مشخص می‌شود این موضوع به صورت موازی هم در شورای فقهی

سازمان بورس و هم در بانک مرکزی مورد تصویب قرار گرفت که به نوعی تصمیم گیرنده این ابزار مالی صراحتاً مشخص نگردید و بهتر بود با حذف تورم نهادهای بررسی کننده و مقررات گذار، در قالب یک کمیته نسبت به تصویب و اجرای این ابزار تصمیم گیری میشد. (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۶)

۴-۲. یکی از مهم ترین مشکلات شبکه موسسات اعتباری اینست که سیستم موسسات اعتباری در بسیاری موارد بدون توجه به نظرات شورای فقهی عمل می‌نماید و گویا این دو، خطوطی موازی اند که ممکن است به زودی به هم نرسند. باید به گونه‌ای عمل شود که رویه جاری اصلاح شود، یعنی پیشنهاد این اصلاحات در شورای فقهی انجام گیرد و بلافاصله در جریان عمل قرار گیرد. البته برخی از مشکلات سیستم موسسات اعتباری به شورای فقهای ارتباطی ندارد و ناشی از عدم نظارت سیستم موسسات اعتباری است. یعنی ممکن است از نشر قانون گذاری مشکلی وجود داشته باشد ولی در مقام عملکرد. بر خلاف قانون شما شود. مثلاً الان برای نرخ سود عقود مشارکتی حداقل و حداکثری تعیین کرده اند یا نرخ سود عقود مبادله‌ای حداکثر ۱۲ درصد اعلام شد. اما برخی از موسسات اعتباری در این زمینه خلاف می‌کنند و مشتریانی را که قدرت بازپرداخت ندارند نیز جریمه می‌کنند. این مشکل، از عملکرد است نه از قوانین و مقررات. لذا بانک مرکزی باید بخش نظارتی خود را تقویت کند و به طور مرتب به موسسات اعتباری و مؤسسات مالی اعتباری نظارت کرده و از افزایش بی رویه نرخ سود تسهیلات جلوگیری کند. رشد قارچ گونه شعب موسسات اعتباری و مؤسسان علمی سبب شده نظارت ها ضعیف تر صورت پذیرد فلذا نظارت بانک مرکزی باید با دقت و قوت بیشتری معمول گردد بدین صورت که به عنوان مشتری به سراغ موسسات اعتباری‌ه حداکثر نرخ سود در عقود مشارکتی، موضوع رای وحدت رویه ۷۹۴ هیات عمومی دیوانعالی کشور با مصوبات شورای پول و اعتبار مغایرت دارد یعنی مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ هیات عمومی دیوانعالی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر حسن اجرای آن است و مصوبات موسسات اعتباری مذکور راجع به حداقل و حداکثر سهم سود موسسات اعتباری‌ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی جنبه امره دارد. بنا به مراتب و با عنایت به ماده ۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، شرط مندرج در قرارداد اعطای تسهیلات موسسات اعتباری نسبت به سود مازاد بر مصوبات مذکور باطل است و این در

حالیست که شورای پول و اعتبار بانک مرکزی به موجب مصوبات خود، نرخ سود عقود مشارکتی را در انتهای قرارداد و پس از تحقق موضوع مشارکت و تحقق سود، مورد شناسایی قرار داده که حتی می‌تواند فراتر از نرخ سود عقود مبادله‌ای قرار گرفته باشد که این مهم توسط دیوانعالی کشور منتج به سقف سود معادل عقود مبادله‌ای تعیین شده است. (آدابی، ۱۴۰۰)

۳-۴-۴. وجه التزام ۳۶۵ روز در واحدهای اجرای ثبت که مبتنی بر نظریه شورای فقهی هست و با مصوبه شورای پول و اعتبار مغایرت دارد بدین بیان که به استناد قسمت ب ذیل بند ۱-۸ شیوه نامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء از طریق دفاتر اسناد رسمی پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء از طریق دفاتر اسناد رسمی مرتبط با آیین نامه اجرای موسسات اعتباری مجاز به دریافت خسارت تاخیر تادیه علاوه بر اصل مطالبات و سود بوده و مکلف می‌باشند در تقاضانامه صدور اجراییه میزان خسارت تاخیر را تا روز درخواست قید نموده و نیز موظف می‌باشند در تقاضانامه درج نمایند که خواستار دریافت خسارت تاخیر تادیه مذکور از تاریخ درخواست به بعد به شرح قرارداد موسسات اعتباری و طبق مقررات بوده چه اینکه تبصره ماده چهار آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء ۱ نیز اجرای این تکلیف را بعهدہ اداره ثبت مربوطه محول نموده است و این درحالیست که تقاضانامه تدارک دیده شده توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به نحوی تنظیم شده است که موسسات اعتباری و موسسات مالی و اعتباری ناگزیر به تعیین خسارت تاخیر روزانه و درج آن از تاریخ تقاضانامه تا تاریخ وصول مطالبات می‌باشند. (قربانیان، ۱۴۰۱)

بنابراین درج خسارت تاخیر تادیه روزانه تا تاریخ وصول توسط موسسات اعتباری و موسسات مالی و اعتباری در تقاضانامه صدور اجراییه مستنداً به تصمیم متخذه مورخ ۱۳۷۱/۰۲/۲۰ شورای عالی ثبت، فاقد مبنای قانونی و ممنوع می‌باشد. (بیرانوند، ۱۴۰۱) از سوی دیگر نحوه محاسبه خسارت تاخیر تادیه در موسسات اعتباری بدینگونه می‌باشد که؛ حاصل ضرب مانده معوق در تعداد روزهای تاخیر شده، ضربدر وجه التزام قراردادی، در صورت کسر قید می‌گردد و آنگاه حاصل ضرب مذکور تقسیم بر حاصل ضرب عدد ۳۶۵ در عدد ۱۰۰ می‌شود. ناگفته نماند در خصوص ملاک قرار گرفتن میزان مطالبات موسسات اعتباری در ارتباط با عقود مشارکتی فی مابین

^۱ تبصره ماده چهار آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء: محاسبه سود و خسارت تأخیر تادیه فی‌مابین متعهد و متعهدله (در مورد بانکها و مراجعی که قانوناً حق دریافت آنها را دارند) تا تاریخ صدور اجراییه انجام می‌شود و بعد از آن با اداره ثبت مربوطه است.

واحدهای اجرای ثبت و نظام مؤسسات اعتباری، اختلاف رویه روشنی وجود داشت به طوری که واحدهای اجرای ثبت در عقود مشارکتی مانده مذکور مربوط به اصل تسهیلات را (سهم الشرکه مؤسسات اعتباری در مشارکت مدنی و در مضاربه کل راس المال) مبنای خسارت‌گیری قرار داده و این بدان علت بوده که امکان دریافت خسارت تاخیر تادیه برابر با مصوبه شورای محترم پول و اعتبار نسبت به اصل تسهیلات مؤسسات اعتباری و مؤسسات اعتباری مجاز فراهم بوده و بر همین اساس ادارات ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به اجابت مطالبه خسارت تاخیر تادیه قراردادی از سوی مؤسسات اعتباری زائد بر اصل تسهیلات استتکاف می‌نمودند و به عبارت دیگر سود مورد انتظار مربوط به عقود مشارکتی را جزو اصل تسهیلات قلمداد نمی‌نمودند. این در حالیست که رویه عملی مؤسسات اعتباری مبتنی بر بخشنامه بانک مرکزی مب / ۱۳۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۰۱/۱۵ حاکی از لزوم مبنا قراردادن اصل تسهیلات مندرج در قرارداد به علاوه فواید مترتبه (یعنی همان سود مورد انتظار عقود مشارکتی) بوده (بیرانوند، ۱۴۰۱) که نهایتاً مراتب در یازدهمین و دوازدهمین جلسات مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۹ و ۱۳۹۸/۴/۱۲ شورای فقهی بانک مرکزی مطرح و به شرح آتی اتخاذ تصمیم شد؛ « مقرر ابلاغی بانک مرکزی به شبکه مؤسسات اعتباری کشور موضوع بخشنامه شماره مب / ۱۳۸۶ مورخ ۱۳۸۶/۱/۱۵ در خصوص نحوه و مبنای محاسبه وجه التزام تاخیر تادیه دین در تسهیلات مشارکتی (مشمول بر اصل و فواید مترتبه) و تسهیلات غیر مشارکتی (مشمول بر اقساط سررسید شده و پرداخت نشده و اقساط آتی سررسید نشده که به دین حال تبدیل شده است) مورد تایید شورای فقهی بانک مرکزی می‌باشد » بنابراین با فرض پذیرش نظریه اخیرالذکر توسط واحدهای اجرای ثبت، اختلاف فی مابین واحد اجرای ثبت و مؤسسات اعتباری به شرح فوق الذکر مورد تعیین تکلیف قرار می‌گیرد. (صحرانورد، ۱۴۰۰)

از سوی دیگر در خصوص نحوه ملاک قرار گرفتن مدت معوق، نگارنده بر این باور است چنانچه مدت معوق زائد بر یکسال باشد و با فرض کیسه بودن سال اخیر الذکر (۳۶۶ روز) قاعده انصاف (قاعده فقهی الانصاف سید الاعمال از حضرت علی (ع) (کلینی، ۱۳۸۸) اقتضا می‌نماید، بدلیل اعمال تعداد روزهای ماه اسفند مربوط به سال کیسه به میزان سی روز، در صورت کسر عدد مخرج کسر نیز اصلاح می‌یابد به گونه‌ای که بجای درج ۳۶۵۰۰ (حاصل ضرب ۳۶۵ روز در عدد صد مربوط به درصد گیری) در مخرج کسر عدد ۳۶۶۰۰ (حاصل ضرب ۳۶۶ روز در عدد صد مربوط به درصد گیری) در مخرج کسر در رابطه با سال کیسه لحاظ گردد؛ در اینصورت است

که حقوق طرفین پرونده اجرایی (مراد متعهد و متعهدله می باشد) مورد رعایت قرار می گیرد. ناگفته نماند بخشنامه شماره ۹۹/۱۵۳۲۵۸ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۰۴ دفتر نظارت بر اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت، نظر اخیر نگارنده را تایید می نماید. (بیرانوند، ۱۴۰۱) بنابراین با رعایت مطالب اخیر الذکر اصلح می نماید خسارت تاخیر تادیه تا تاریخ درخواست صدور اجرائیه توسط موسسات اعتباری و موسسات یاد شده، در تقاضانامه فوق الذکر لحاظ گردیده و به همین ترتیب نیز میزان الباقی خسارت تاخیر تادیه (از تاریخ مندرج در تقاضانامه صدور اجرائیه تا یوم الوصول) از طریق واحدهای اجرای ثبت مورد لحوق قرار گیرد.

۴-۴-۴. از آنجائیکه اموال به وثیقه گرفته شده، تنها پشتوانه موسسات اعتباری ها برای وصول مطالباتشان از متقاضیان است، لازم است اموال به وثیقه گرفته شده در قراردادهای عادی تسهیلاتی با فرض امکان تنظیم قراردادهای و وثیقه منقول و همچنین اموال موضوع تسهیلات در طول مدت قرارداد همه ساله، حداقل به میزان مانده مطالبات ناشی از اعطای تسهیلات به هزینه متقاضی به نفع موسسات اعتباری در قبال حوادث غیر مترقبه از قبیل، آتش سوزی، سیل، زلزله و غیره بیمه شود. گرچه در قانون عملیات موسسات اعتباری بدون ربا و آیین نامه های اجرائی آن انجام بیمه پیش بینی نشده است، لیکن در دستورالعمل اجرایی تسهیلات موسسات اعتباری اقدام به بیمه در بعضی از تسهیلات الزامی می باشد (بیهقی، ۱۳۶۷) از سوی دیگر علی الاصول، موسسات اعتباری به منظور جلوگیری از ضررهای ناشی از تلف شدن اموال موضوع تسهیلات و وثائق، طرف دیگر قرارداد را مکلف به اخذ بیمه از بیمه گرهای قانونی به نفع موسسات اعتباری می نمایند لیکن پرداخت حق بیمه را در ضمن قرارداد، با اشتراط شرط ضمن عقد به عهده تسهیلات گیرندگان قرار می دهد که این امر به نظر مغایر با قاعده من له الغنم فعلیه الغرم می باشد چرا که موسسات اعتباری غنیمت خود را در صورت تلف اموال و وثائق موضوع تسهیلات دریافت می نماید لیکن غرامت آن را به دوش تسهیلات گیرنده قرار می دهد و دریافت کننده تسهیلات بدلیل الحاقی بودن این نوع قراردادهای، ناگزیر به پذیرش هزینه ای می باشد که مابه ازای آن متعلق به موسسات اعتباری (طرف دیگر قرارداد) می باشد. ناگفته نماند بیمه نامه ها یکساله بوده و بدیهی است در صورت مشکوک الوصول گردیدن تسهیلات، دریافت کنندگان تسهیلات نسبت به تجدید بیمه اقدام نمی نمایند و موسسات اعتباریها و موسسات مالی اعتباری مجاز، ناگزیرند از سرفصل بدهکاران موقت، هزینه آنرا تامین نموده و بر اساس شرط ضمن قرارداد می توانند حق بیمه مذکور را از مدیونین به استناد

قسمت ج ذیل بند ۱-۸ شیوه نامه پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء از طریق دفاتر اسناد رسمی پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء از طریق دفاتر اسناد رسمی پذیرش درخواست اجرای مفاد اسناد لازم الاجراء از طریق دفاتر اسناد رسمی یاد شده با درج مبلغ حق بیمه مذکور در تقاضانامه صدور اجراییه به عنوان یکی از مدلول‌های تقاضانامه صدور اجراییه مطالبه نمایند. (صحرانورد، ۱۴۰۰)

۴-۴-۵. نرخ سود سپرده‌ها در شبکه بانکی با نرخ ساده محاسبه می‌گردد اما نرخ تسهیلات با نرخ مرکب که شورای پول و اعتبار دو رویه متفاوت را ابلاغ نموده یعنی نرخ سود (تنزیل) چک در خرید دین با فرمول ساده ولی در سایر عقود مبادله‌ای از قبیل سلف با فرمول مرکب محاسبه می‌شود حال چطور در فرمول محاسبه قیمت پیش خرید و سود مرتبط با سلف از فرمول مرکب استفاده می‌شود و پیش خرید کالای سلف چه امتیازی نسبت به قیمت اسمی اوراق تجاری موضوع خرید دین دارد یعنی سود موسسات اعتباری در خرید دین برابر است با ارزش اسمی اسناد ضربدر نرخ سود و ضربدر مدت تقسیم بر واحد مدت ضربدر ۱۰۰ که در صورتیکه این مبلغ از ارزش اسمی کسر گردد قیمت خرید اسناد بدست می‌آید و این در حالیست که ارزش فعلی هر واحد کالا در معامله سلف برابر است با ارزش اسمی آتی محصول تقسیم بر مدت به سال ضربدر نرخ سود به علاوه عدد یک که در صورتیکه اعداد مشابه را در فرمولهای اشعاری قرار دهیم، خروجی آنها در عدد متفاوت خواهد بود که بنظر می‌رسد شورای پول و اعتبار نمی‌بایست با ابلاغ فرمول‌های متفاوت و مغایر، چنین تراحم اجرایی را فراهم می‌نمود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- در قوانین و مقررات مختلف، مراجعی پیش بینی شده است که می‌توانند اطلاعات موسسات اعتباری مشتریان را اخذ نموده و یا موجودی آنها را توقیف و مسترد نماید و یا اطلاعات آنها را اخذ و وجوه آنها را توأماً توقیف نمایند.
- خدمات مالی، به عنوان یکی از ابزارهای رایج موسسات اعتباری در روابط قراردادی در تجارت داخلی و بین المللی، مستلزم نظارت دقیق نهادها و ارکان عالی جهت احراز صلاحیت و محدوده اجرای آن، محسوب می‌شود لذا کاربرد موثر و از جمله فایده تعیین صلاحیت و اختیارات نهادهای مقررات گذاری و حدود اعتبار آنها، اینست که می‌توان با شناخت

- صلاحیت آنها و نهادهای مجری این موضوع و حدود صلاحیت هر یک و همچنین نحوه نظارت بر خدمات مالی، عملکرد بهتر و موثرتری را نسبت به گذشته انتظار داشت.
- مقررات‌گذاری و نظارت نسبت به موسسات اعتباری، امری مهم و دارای تبعات بسیاری حتی برای مشتریان اخذ‌کننده خدمات مالی محسوب می‌شود که باید با بهترین روش‌های کارشناسی و تخصصی صورت پذیرد که این موضوع در بسیاری از کشورها از قبیل آمریکا و انگلیس نیز با روشهایی متفاوت در حال انجام می‌باشد. پس از گذشت چندین دهه تجربه مقررات‌گذاری برای موسسات اعتباری در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، تورم مقررات و پیامدهای نامطلوب آن بر بخش‌های مختلف جامعه، ابهام در تفسیر مقررات موجود و اجراهای سلیقه‌ای و متفاوت آن، از جمله مشکلات اساسی نظام مقررات‌گذاری برای موسسات اعتباری محسوب شده است.
 - هرچند تفاوت‌هایی از نظر نهاد ناظر، تصویب اساسنامه در اساسنامه در شورای پول و اعتبار و رعایت استانداردها میان موسسات اعتباری و موسسه اعتباری (در معنای خاص) وجود دارد با این حال موسسات اعتباری بخشی از موسسه اعتباری (در معنای عام) محسوب می‌شود اما در ایران موسسه اعتباری غیرموسسات اعتباری یا همان موسسه اعتباری در معنای خاص نیز به رسمیت شناخته شده است و به نظر در چهارچوب بازار پول در کنار کنش گران موسسات اعتباری دولتی و خصوصی به فعالیت می‌پردازد. همچنین باید توجه نمود که موسسه اعتباری غیربانکی به صورت یک نهاد اقتصادی غیردولتی بوده و این به معنا نیست که موسسات اعتباری باید حتماً دولتی باشند بلکه در اینجا منظور غیردولتی بودن این نهاد است.
 - بموجب قوانین و مقررات مختلف، صلاحیت‌هایی به مراجع قضایی و قانونی به جهت اعمال نظارت و وضع‌کننده آیین‌نامه و غیره به جهت بهبود عملکرد خدمات و فعالیت‌های مالی موسسات اعتباری وضع شده است که اگر این موارد به درستی اجرا شود بنظر می‌رسد نظام پولی پویا تر و با تخلفات محدودتری خواهیم داشت.
 - تصویب قوانین بی کیفیت، به ویژه قوانینی که اجرا نمی‌شوند یا حداقل به طور ناقص اجرا می‌شوند و یا تصویب قوانین و مقررات نامحدود، از مهمترین معضلات نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران شمرده می‌شود که در این پژوهش، ضمن شناخت نهادهای مقررات‌گذار نسبت به نظام پولی کشور، می‌توان به جهت رفع این مشکل و تعیین دقیق نهاد مقررات

گذار نسبت به خدمات پولی، از طریق تدوین و تنقیح قوانین و مقررات و ضمن ادغام شوراها دارای وظایف متزامم در یکدیگر، به ایجاد مجموعه های محدود و مشخصی پرداخت تا از این طریق، امکان شناخت بهتر حقوق و تکالیف و ضمانت اجرای آن را برای شهروندان و مشتریان مؤسسات اعتباری فراهم شود.

- علاوه بر وظیفه قانونگذاری (به عنوان یکی از کارکردهای قوه مقننه) مجلس شورای اسلامی صلاحیت نظارتی بر قوه مجریه را نیز بر عهده دارد. این اقتدار مجلس بر قوه مجریه نشان دهنده تمایل قانون اساسی به نظام پارلمانی است. از جمله صلاحیت‌های نظارتی مجلس نظارت را می‌توان از طریق نظارتی که رئیس مجلس نسبت به بررسی مصوبات و آیین‌نامه‌های دولت و انطباق آنها با قانون دارد می‌توان بیان نمود. اصل ۸۵ قانون اساسی بیان می‌دارد، علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالفت قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. طبق اصل ۱۳۸ همان قانون، تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیات وزیران بفرستد فلذا اگر این کارکرد مهم مجلس، بدرستی و در زمان مقتضی و با بهره‌گیری از کارشناسان و مشاوران متخصص و آگاه به قوانین، از اجرا و اثرات منفی مقررات خلاف قانون جلوگیری عمل آید.

پیشنهادات

- با توجه به اهمیت موضوعات مالی بالاخص خدمات مالی مؤسسات اعتباری، تورم قوانین و تعدد میزان قوانین و مقررات تصویب شده، از چالش‌های پیش رو نظام قانون گذاری ایران و همچنین از معضلات نظارت صحیح و درست و پویا تلقی می‌گردد که این موضوع باعث ایجاد تزامم بسیار در اجرای مقررات را بعمل آورده که به چند نمونه آن در این مقاله اشاره شده فلذا می‌توان با تجمیع قوانین و مقررات مالی مرتبط با مؤسسات مذکور و شفاف سازی و رفع ابهامات اجرایی، کنترل و نظارت دقیقتر را نسبت به خدمات مالی با حفظ حقوق اشخاص، مؤسسات اعتباری معمول نمود.

- تصویب قوانین بی کیفیت، به ویژه قوانینی که اجرا نمی شوند یا حداقل به طور ناقص اجرا می شوند و یا تصویب قوانین و مقررات نامحدود، از مهمترین معضلات نظام قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران شمرده میشود که در این پژوهش، ضمن شناخت نهادهای مقررات گذار نسبت به نظام پولی کشور، می توان به جهت رفع این مشکل و تعیین دقیق نهاد مقررات گذار نسبت به خدمات پولی، از طریق تدوین و تنقیح قوانین و مقررات و ضمن ادغام شوراها دارای وظایف متراحم در یکدیگر، به ایجاد مجموعه های محدود و مشخصی پرداخت تا از این طریق، امکان شناخت بهتر حقوق و تکالیف و ضمانت اجرای آن را برای شهروندان و مشتریان موسسات اعتباری فراهم شود.
- یکی از نتایج موثر و مثبت پژوهش حاضر، شناخت نهادهای ناظر نسبت به خدمات مالی موسسات اعتباری بود که در صورتی این مهم به درستی به شبکه بانکی ابلاغ گردد، می توان از اعمال خودسرانه سایر سازمان ها و یا اشخاصی که صلاحیت و اختیار توقیف، برداشت و یا حتی اخذ اطلاعات از موسسات اعتباری را ندارند، جلوگیری بعمل آورد.

منابع

- شیروی، عبدالحسین، حقوق اقتصادی، نشر سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- محمدخانی، مسعود، چهار تفاوت موسسات اعتباری با موسسات اعتباری، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۵۳۹، مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۶.
- جعفری، امین، (۱۴۰۰)، حقوق موسسات اعتباری جلد نخست (بایسته های حقوق بانکی)، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
- جمشیدی، سعید، علیزاده، علی اصغر، (۱۳۹۵)، بانکداری اسلامی ۱، نشر گپ.
- صالح، علی پاشا، (۱۳۹۱)، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، فلسفه حقوق. تهران. شرکت سهامی انتشار. جلد دوم.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴)، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری. تهران. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- حسینی، سید ابراهیم، محدودیت های مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری (موضوع اصل ۷۱ قانون اساسی)، نشریه حکومت اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۴.

- مرادخانی، فردین، تکلو، سمیه، (۱۴۰۰)، تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران، مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر، دوره ۱۲، شماره ۲۲.
- فولادوند، سجاد، (۱۳۹۳)، تفویض اختیار قانون‌گذاری در نظم اساسی ایران، پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- زنگباری، ناصر، (۱۳۹۹)، حقوق بانکی، انتشارات جنگل.
- بهمنی و غفاری، محمود و مهدی، اصول بانکداری، نشر موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۹۴.
- بهمنی، محمود، بهمند، محمد، (۱۳۸۹)، بانکداری داخلی ۱، نشر موسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

Examining and implementing the duties of institutions supervising the financial services of credit institutions by providing examples of executive interference with financial services

*Hesam Aldin Rastekenari¹
Tahmine Edalatju^{2*}
Fakhreddin Abuyeh³
Ali Purghasab Amiri⁴*

Abstract

Financial services are considered to be one of the common banking tools in the contractual relations of individuals and in the field of domestic and international trade, so knowing the authors of the laws and regulations related to financial services is of great importance. According to the changes made in relation to the establishment and formation of credit institutions, the supervision of the financial services of credit institutions has also been expanded and each of them, using approved laws and regulations, has powers such as the possibility of inquiry or seizing and withdrawing from the account. Customers are mentioned in the two sections of supervision of legal and judicial authorities to each supervising organization. In this research, it is mentioned to explain the legal competence of each of the organizations regarding financial services so that the current practice of the banking network can be modified. Regulation and supervision of credit institutions is an important matter and has many consequences, and even in countries such as the United States and England, it is being done with different methods, but in terms of the importance of supervision, so the inflation of regulations and its adverse consequences on different sectors. The society considers the ambiguity in the interpretation of the existing regulations and its arbitrary and different implementation as one of the basic problems of the regulation system and its implementation in relation to financial services. And with the limits of each one's competence and notification to the banking network. Therefore, on the basis of rational analysis and on the basis of the library method and with the analytical descriptive method, the competence of organizations to apply supervision and regulation to the financial services of credit institutions was discussed and then examples of the implementation problems of regulation and concurrent supervision were discussed. Such as the difference in the demand for interest rates of facilities by banks and notary enforcement offices.

¹ Ph.D. student in Public Law, Department of Public Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran, Email : haghgoo_hesam@yahoo.com

^{2*} Assistant Professor of Law, Department of Law, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran Corresponding Author, Email: dr.edalatju@gmail.com

³ Assistant Professor of International Law, Department of International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran, Email: f.alboyeh@yahoo.com

⁴ Assistant Professor of International Law, Department of International Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran, Email: aliamiriuniversitypro@gmail.com

Keywords

Financial; services; supervision; credit; institutions; regulation; classification

JEL Classification: E42; E52; E58; G21